

## دسته‌بندی و بررسی عبارات نشانگر اهمیت مطلب بر اساس نقش کلامی و موقعیت قرارگیری در ارائه‌های علمی فارسی<sup>۱</sup>

جواد زارع<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۸

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش، بررسی چگونگی برجسته‌سازی نکته‌های مهم در ارائه‌های علمی فارسی است. با استفاده از روش تحقیق ترکیبی و مبتنی بر یک رویکرد پیکره محور، ساختارهای نشانگر اهمیت مطالب، از ۶۰ ارائه مندرج در پیکره فارسی سخن استخراج شد. یافته‌های این پژوهش به ترتیب از این قرار است: (۱) از نظر موقعیت نشانگر، هشت ساختار برای نشانگرهای پیش مرجع و نه ساختار برای نشانگرهای پس مرجع یافت شد. در این میان، ساختارهای «نکته مهم + صفت اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی» و «نکته مهم + سؤال امتحان» برای نشانگرهای پیش مرجع و ساختار «فعل + نکته مهم» برای نشانگرهای پس مرجع دارای بیشترین فراوانی بودند. (۲) تعداد نشانگرهای پس مرجع نسبت به پیش مرجع، از فراوانی تکرار بیشتری برخوردار بودند. (۳) بر اساس نقش کلامی، پنج دسته نشانگر شامل «سازمان‌دهی کلام»، «تعامل با مخاطب»،

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 110.22051/jlr.2018.18087.1456

<sup>۲</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی کاربردی، استادیار گروه زبان‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه کوثر بجنورد؛

javadzare@kub.ac.ir

«وضعیت مطلب»، «شرح موضوع» و «ارتباط با امتحان» یافت شد. از این پنج دسته نشانگر، «تعامل با مخاطب» بیشترین مقدار عددی را به خود اختصاص داد. به طور کلی، یافته‌های پژوهش، نمایانگر آن است که ارائه‌دهنده‌ها علمی-فارسی بیشتر تمایل دارند تا در کار خود برای برجسته کردن مطالب مهم، با مخاطب تعامل داشته باشند. به بیان روشن‌تر، این افراد بیشتر سعی می‌کنند تا به جای جمع‌آوری اطلاعات و عدم توجه به برداشت مخاطب نسبت به اهمیت مطالب، از توجه مخاطب درباره اهمیت داده‌های مهم اطمینان حاصل کنند. این مهم، معمولاً از طریق دخیل کردن مخاطبان در فرایند کلام صورت گرفته و مطالب مهم به ترتیبی ارائه می‌شود که مخاطب بتواند برای توجه بیشتر به آن‌ها و یادداشت برداری، از پیش برنامه‌ریزی کند.

**واژه‌های کلیدی:** عبارات نشانگر اهمیت مطلب، عبارات فراکلامی، ارائه

علمی فارسی، پیکره

## ۱. مقدمه

شکل‌گیری پدیده «انگلیسی برای اهداف ویژه»<sup>۱</sup> در حدود پنج دهه پیش، سبب شد تا تدریس زبان‌ها، شکل ویژه‌تری به خود بگیرد. امروزه، نخستین مسأله‌ای که در تدریس زبان مورد توجه قرار می‌گیرد، هدف‌ها یا نیازهای زبان‌آموزان از یادگیری زبان است. به این‌گونه دوره‌های آموزشی «زبان برای اهداف خاص»<sup>۲</sup> گفته می‌شود. برتری این رویکرد آموزشی، خاص بودن آن است که سبب می‌گردد زبان‌آموز سریع‌تر به هدف خود برسد. هر چند امروزه در بیشتر زبان‌ها از این رویکرد برای آموزش زبان استفاده می‌شود. بنابراین، خلأ چنین حوزه‌ای در زبان فارسی احساس می‌شود. پژوهش حاضر، به منظور برآوردن نیازهای فارسی‌آموزان غیرایرانی و برای مطالعه در دانشگاه انجام شده است.

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های دانشجویان دانشگاه، شرکت در ارائه‌های علمی<sup>۳</sup> است. اهمیت ارائه علمی، از یک سو، به سبب این واقعیت است که اساتید دانش نظری خود را در قالب آن ارائه می‌دهند (Conrad, 2004; Crawford Camiciottoli, 2009; Lee, 2009). به بیان دیگر، موفقیت مدرسین دانشگاه در زندگی حرفه‌ای به انجام کارآمد این امر بستگی دارد. از سوی دیگر، دانش به‌دست آمده از این ارائه‌ها، بخش مهمی از ارزیابی پایان‌ترم و موفقیت تحصیلی دانشجویان را

<sup>1</sup> English for specific purposes

<sup>2</sup> Language for specific purposes

<sup>3</sup> academic lecture

تشکیل می‌دهد. با توجه به زیاد بودن مطالب بیان‌شده در یک ارائه، تمایز میان نکات مهم و بی-اهمیت برای درک، یادداشت‌برداری و یادآوری ثمربخش اطلاعات مهم به نظر می‌رسد.

فارسی‌آموزان غیر ایرانی نیز از این قاعده به دور نبوده و باید در بسیاری از ارائه‌های علمی - کلاسی دانشگاهی حضور فعال داشته باشند. با توجه به اینکه بیشتر فارسی‌آموزان غیر ایرانی با ساختار ارائه‌های فارسی، توزیع مطالب در آن‌ها و همچنین مبانی فارسی بیان‌شده در این سبک آشنایی کاملی ندارند، از این رو در فهم مطالب ارائه‌شده دچار مشکل می‌شوند. از سوی دیگر، بیشتر سؤالات امتحانی پایان‌ترم از مطالبی است که ارائه‌دهنده (استاد) به بیان آن‌ها می‌پردازد و مطالب زیادی در این ارائه‌ها آورده می‌شود. به همین سبب، توجه مخاطبان در ارائه (فارسی‌آموزان غیر ایرانی) به نکات مهم و تمایز آن‌ها از مطالب غیر مهم و در نهایت یادداشت‌برداری این مبانی برای مطالعه بسیار ضروری است.

نشانگرهای اهمیت یا ارتباط<sup>۱</sup> (Hunston, 1994) به عبارت‌های واژه-دستوری<sup>۲</sup> گفته می‌شود که اهمیت نکات شفاهی یا بصری ارائه‌شده را به صورت آشکار نشان می‌دهند (Deroey, 2014). با توجه به اینکه، عبارات فرا کلامی<sup>۳</sup> آورده‌شده به تشخیص مخاطب در جداسازی مطالب مهم از غیرمهم بسیار کمک می‌کند، از ویژگی‌های تعاملی<sup>۴</sup> یک ارائه به شمار می‌رود. هانستون (۱۹۹۴) چهار ویژگی عمده برای این پاره‌گفته‌ها اشاره می‌کند: (۱) پیش‌مرجع<sup>۵</sup> یا پس‌مرجع<sup>۶</sup> هستند؛ (۲) ارتباط را به طور بدیهی بیان می‌کنند؛ (۳) کلام<sup>۷</sup> را ارزیابی می‌کنند، از این رو فراکلامی هستند؛ (۴) و کلام را نظام‌مند می‌کنند.

آنچه در برجسته‌سازی نکات مهم برای ارائه‌دهنده ضروری است، ایجاد یک سلسله‌مراتب از درجه اهمیت<sup>۸</sup> نکات (Deroey & Taverniers, 2011) و تبیین ارزیابی نگرشی خود بر مبنای این سلسله‌مراتب است (Thompson & Hunston, 2000) بنابراین، در پرننگ کردن نکته‌های مهم، فرآیند ارزیابی پدیده‌های کلامی انجام می‌شود و ارائه‌دهنده بیشتر به‌عنوان سازنده متن<sup>۹</sup> عمل می‌کند تا اطلاع‌دهنده<sup>۱۰</sup> (Hunston, 2000).

<sup>1</sup> importance or relevance markers

<sup>2</sup> lexicogrammatical

<sup>3</sup> metadiscursive

<sup>4</sup> interactive

<sup>5</sup> retrospective

<sup>6</sup> prospective

<sup>7</sup> discourse

<sup>8</sup> hierarchy of importance

<sup>9</sup> text constructor

<sup>10</sup> informer

پژوهشگران دریافته‌اند که آشنایی مخاطب با عبارات سازمان دهنده کلام به درک، یادداشت‌برداری و یادآوری ثمربخش مطالب کمک می‌کند (Titsworth & Björkman, 2011; Kiewra, 2004). نشانگرهای اهمیت نیز با توجه به رویکرد سازمانگری خود در کلام<sup>۱</sup> مفید هستند. مکچی (McKeachie, 1994) بر این باور است که دانشجویان به هنگام گوش دادن به یک ارائه، به دنبال واژه‌ها و پاره‌گفته‌های خاصی هستند که توجه آن‌ها را به نکات مهم می‌کشاند. نشانگرهای اهمیت به‌عنوان نشانگر کلان<sup>۲</sup> کلام (Chaudron & Richards, 1986)، مخاطب را در درک ساختار کلی ارائه یاری می‌کنند. در نتیجه، آشنایی مخاطب با چگونگی توزیع مطالب در قالب یک ارائه، به درک وی از آن مفاهیم بسیار کمک خواهد کرد.

به این ترتیب، درک درست از چگونگی برجسته‌سازی نکته‌های مهم در سخنرانی‌های علمی فارسی برای فارسی‌آموزان غیرایرانی مفید است. در واقع، با طراحی دوره‌های آموزش هدفمند فارسی در دانشگاه، می‌توان به این نیاز فارسی‌آموزان غیرایرانی برای برجسته‌سازی و یا تشخیص نکات مهم در ارائه‌ها پاسخ داد. به هر حال، نه فقط اطلاعات اندکی پیرامون این ساختارها وجود دارد، بلکه تعداد پژوهش‌هایی که به صورت به صورت انحصاری به این موضوع پرداخته باشند، نیز اندک است (مانند Deroey, 2015; Zare, Eslami-Rasekh, Deroey & Taverniers, 2012; Crawford Camiciottoli, 2004, 2007; & Dabaghi, 2018). برای نمونه، پژوهش زارع و همکاران (Zare et al., 2018) در این زمینه با تأکید بر ارائه‌های علمی فارسی، یکی از اندک پژوهش‌های علمی مورد اشاره به شمار می‌رود. پژوهش‌های دیگر، مربوط به چگونگی برجسته کردن نکات مهم در ارائه‌های انگلیسی است.

زارع و همکاران (Zare et al., 2018) ساختارهای به‌کاررفته در برجسته‌سازی نکات مهم ارائه‌های علمی فارسی را بررسی نمودند. این تحقیق با بررسی ۶۰ رونوشت از ارائه‌های حقیقی فارسی مستخرج از پیکره سخن با بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی و مبتنی بر یک رویکرد پیکره‌محور انجام پذیرفت. یافته‌های این پژوهش نشان داد که می‌توان از رویکردهایی مانند صفات ارزیابی و اسامی فرازبانی، مرتبط‌سازی مطالب با امتحان و نیز مشارکت ارائه‌دهنده یا مخاطب در ارائه برای برجسته کردن مطالب مهم استفاده نمود. از سوی دیگر، ساختارهای کاربردی برای برجسته‌سازی مطالب در یکی از پنج گروه «اسمی»، «فعلی»، «صفتی»، «فیدی» و «گوناگون» قرار می‌گیرند. در نهایت، زارع و همکاران (همان) به این مهم دست یافتند که مشارکت ارائه‌دهنده یا

<sup>1</sup> discourse organizational

<sup>2</sup> macro marker

مخاطب در فرآیند ارائه با استفاده از ساختارهای فعلی نسبت به روش‌های مستقیم برجسته‌سازی نکته‌های مهم مانند صفت‌های ارزیابی اهمیت بیشتری دارد. در نهایت، یافته‌های این پژوهش به روشنی اثبات کرد که نشانگرهای اهمیت پس مرجع به سبب توانمندسازی مخاطب در برنامه‌ریزی قبلی برای پردازش مفاهیم و یادداشت‌برداری از مطالب مهم ارائه نسبت به نشانگرهای پیش مرجع از فراوانی تکرار بیشتری برخوردارند.

زارع و همکاران (Zare et al., 2017) در پژوهشی دیگر، ساختارهای استفاده‌شده برای کم‌رنگ یا کم‌اهمیت جلوه دادن مطالب در ارائه‌های علمی فارسی را بررسی کردند. این پژوهش نیز همانند مطالعه پیشین آن‌ها با یک رویکرد پیکره‌محور و مبتنی بر ۶۰ ارائه علمی فارسی مستخرج از پیکره سخن صورت گرفت. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مشخص شد در ارائه‌های علمی فارسی از پنج نقش کلامی «سازمان‌دهی کلام»، «تعامل با مخاطب»، «پوشش موضوع»، «وضعیت مطلب» و «ارتباط با امتحان» برای کم‌اهمیت جلوه دادن مطالب استفاده می‌شود. در این میان، پوشش موضوع و وضعیت مطلب به ترتیب بیشترین فراوانی را برای این هدف به خود اختصاص دادند و سازمان‌دهی کلام، تعامل با مخاطب و ارتباط با امتحان نیز از کم‌شمارترین نشانگرها بودند.

با تحلیل ۱۶۰ سخنرانی علمی انگلیسی مستخرج از پیکره بیس<sup>۱</sup>، دیروی و تاورنیرز (Deroey & Taverniers, 2012) چگونگی پررنگ کردن نکته‌های مهم را در ارائه‌های انگلیسی بررسی کردند. آن‌ها در این پژوهش، از روش تحقیق ترکیبی بهره بردند. یافته‌های بررسی دیروی و تاورنیرز (Deroey & Taverniers, 2012) نشان می‌دهد، ساختارهای واژه‌دستوری مورد استفاده برای پررنگ کردن نکات مهم متشکل از ترکیب‌های گوناگون صفت، اسم، فعل و قید است. بر اساس عنصر اصلی نشان‌دهنده اهمیت مطالب، این ساختارها به پنج دسته اسمی، صفتی، فعلی، قیدی و مرتبط آزمون تقسیم شدند. در این میان، ساختارهای فعلی (مثل، به یاد داشته باشید برده‌داری در حال حاضر منسوخ است) و اسمی (همچون، نکته این است که) به ترتیب پرشمارترین ساختارها بودند.

دیروی (Deroey, 2015) ساختارهای استفاده‌شده برای پررنگ کردن نکته‌های مهم در ارائه‌های انگلیسی را با توجه به شاخص جهت‌گیری به دو دسته تعاملی<sup>۲</sup> و متنی<sup>۳</sup> تقسیم نمود. این پژوهش مبتنی بر پیکره بیس انجام شده بود. دیروی (همان) دریافت که این ساختارها با

<sup>1</sup> BASE

<sup>2</sup> interactive

<sup>3</sup> textual

جهت‌گیری‌های متن، مخاطب، ارائه‌دهنده و مشترک به ترتیب از الگوهای «اسم - فعل ربطی»<sup>۱</sup>، «فعل - اسم/جمله‌واره»<sup>۲</sup>، «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله‌واره»<sup>۳</sup> و «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله‌واره»<sup>۴</sup> پیروی می‌کنند. علاوه بر این، وی دریافت که نشانگرهای اهمیت پس‌مرجع، پیش‌مرجع و مشترک به ترتیب دارای ساختارهای «فعل - اسم/جمله‌واره»<sup>۵</sup> و «اسم - فعل ربطی»<sup>۶</sup>، «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت»<sup>۷</sup>، «ضمیر اشاره - فعل ربطی - اسم»<sup>۸</sup> و «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت - اسم»<sup>۹</sup> و «ضمیر اول شخص - فعل - اسم/جمله‌واره»<sup>۱۰</sup> و «ضمیر اشاره - فعل ربطی - صفت - اسم»<sup>۱۱</sup> هستند. یافته‌های این پژوهش همچنین بیانگر این واقعیت بود که از یک سو بیشتر این ساختارها به متن (همچون، نکته / این است که) یا مخاطب (به عنوان مثال، به یاد داشته باشید که) اشاره می‌کنند. از سوی دیگر بسیاری از نشانگرهای اهمیت محتوا گرا، به شنونده گرایش ثانویه دارند (مثل، این چیزهایی است که باید به خانه ببرید). همچنین، بیشتر نشانگرهای اهمیت متن، پس‌مرجع بودند.

در پژوهشی دیگر تامپسون (Thompson, 2003) فرا کلام ساختاردهی متن را در ارائه‌های کلاسی بررسی و این پاره گفته‌ها را به سه دسته (الف) ارجاع به محتوا، یا موضوع، (ب) ارجاع به سخنرانی یا بخشی از سخنرانی و (پ) ارجاع بین فردی، یا اشاره به سخنران یا مخاطب تقسیم نمود. می‌توان نمونه‌هایی از عبارات نشانگر اهمیت را در جمله‌هایی که به سخنران یا مخاطب اشاره می‌کنند یافت (مانند، خوب در حال حاضر اجازه دهید دو نکته در مورد چگونگی عملکرد ارتباطات غیر کلامی بگویم).

کرافورد کامیسیوتلی (Crawford Camiciottoli, 2004, 2007) چگونگی برجسته کردن نکته‌های مهم در ارائه‌های انگلیسی را با بررسی یک پیکره کوچک متشکل از ۱۲ ارائه انگلیسی درباره مطالعات بازرگانی و نیز ۱۰ ارائه انتخابی از پیکره مایکس<sup>۱۲</sup> مورد پژوهش قراردادند. یافته‌های این پژوهش، شش ساختار پیش‌مرجع و شش ساختار پس‌مرجع برای نشانگرهای ارتباط

<sup>1</sup> MN v-link

<sup>2</sup> V n/clause

<sup>3</sup> 1s pers pron V n/clause

<sup>4</sup> 1s pers pron V n/clause

<sup>5</sup> V n/clause

<sup>6</sup> MN v-link

<sup>7</sup> deic v-link ADJ

<sup>8</sup> deic v-link MN

<sup>9</sup> deic v-link adj MN

<sup>10</sup> 1s pers pron V n/clause

<sup>11</sup> deic v-link adj MN

<sup>12</sup> MICASE

را مشخص نمود. این ساختارها متشکل بر اسم‌های اشاره، صفت‌های ارتباطی، اسم‌های فرازبانی و فعل ربطی «IS» بودند. از میان ساختارهای پیش‌مرجع، «ضمیر اشاره - فعل - صفت»<sup>۱</sup> (مثل، / این مهم است) و از میان ساختارهای پس‌مرجع، «ادات معرفه - صفت - اسم - فعل»<sup>۲</sup> (همچون، نکته اصلی این است که) از دیگر ساختارها پر تکرار تر بودند. به طور کلی، فراوانی ساختارهای پس-مرجع بسیار بیشتر از پیش‌مرجع بوده است.

پژوهش حاضر بر این رویکرد استوار است که نشانگرهای اهمیت نکات در ارائه‌های علمی فارسی را بررسی نماید. به منظور آموزش چگونگی تشخیص و پررنگ کردن نکات‌های مهم در ارائه‌های علمی فارسی به فارسی‌آموزان غیر ایرانی، این پژوهش سعی دارد تا ساختارهای کاربردی برای این هدف را بررسی نماید. در واقع، هدف از انجام این پژوهش، دستیابی به یک طبقه‌بندی از این نشانگرها بر اساس موقعیت نکات برجسته‌شده نسبت به نشانگر اهمیت است. علاوه بر این، پژوهشگران سعی دارند تا طبقه‌بندی جدیدی از نشانگرهای اهمیت بر اساس نقش کلامی<sup>۳</sup> آن‌ها ارائه دهند.

## ۲. روش پژوهش

مقاله حاضر بر اساس پیکره فارسی سخن<sup>۴</sup> انجام شده است. پیکره فارسی سخن از ۶۰ ارائه حقیقی<sup>۵</sup> علمی تشکیل شده است که از سه گروه رشته‌ای مهندسی، علوم انسانی و علوم پایه (۲۰ سخنرانی از هر گروه) گردآوری شده است. زبان این سخنرانی‌های علمی کلاسی، همگی فارسی بوده و توسط مدرسین دانشگاه مرد فارسی زبان ارائه شده‌اند.

این پژوهش با استفاده از روش تحقیق ترکیبی<sup>۶</sup> (کیفی- کمی) و مبتنی بر یک رویکرد پیکره‌محور<sup>۷</sup> انجام شده است. همچنین، نوع طراحی این مطالعه اکتشافی<sup>۸</sup> (Lodico, Spaulding, & Voegtler, 2006) است. بنابراین، پژوهشگر بدون آگاهی از اینکه از چه پاره‌گفته‌ای ممکن

<sup>۱</sup> DEIC IS ADJ

<sup>۲</sup> DET ADJ META N IS

<sup>۳</sup> discourse function

<sup>۴</sup> رونوشت‌های به کاررفته در این مقاله برگرفته از پیکره فارسی سخن است که در پارک علم و فناوری خراسان شمالی با مدیریت جواد زارع و زهرا کیوانلو توسعه یافت. ساخت این پیکره با حمایت مادی و معنوی پارک علم و فناوری خراسان شمالی و مجتمع آموزش عالی اسفراین انجام پذیرفت.

<sup>۵</sup> authentic

<sup>۶</sup> Mixed-methods

<sup>۷</sup> corpus-driven

<sup>۸</sup> exploratory

است برای بیان مفهوم اهمیت استفاده شود، پژوهش را آغاز کرد. از سوی دیگر و به منظور تحقق یک تصویر جامع از پاره‌گفته‌های نشان‌دهنده اهمیت مطلب، پیکره کوچکی متشکل بر ۱۵ ارائه کلاسی (از هر گروه رشته‌ای پنج ارائه) از پیکره سخن ساخته شد. سپس، رونوشت<sup>۱</sup> این ارائه‌ها به دقت خوانده شد تا پاره‌گفته‌هایی که نکته‌های مهم را پررنگ می‌کنند، شناسایی و استخراج شود. به این منظور، فقط پاره‌گفته‌هایی که در پیوند با پدیده‌های کلامی سخنرانی بود و به وسیله خود استاد استفاده می‌شد، مورد بررسی قرار گرفتند. (۱). از این رو، نقل قول‌ها و نمونه‌هایی که کلام دانشجو یا شخص سوم را روایت می‌کردند، نیز نادیده گرفته شدند (۲).

۱. بنابراین این مهمه که این منشأ آب و بینیم

۲. به نکته‌ای که او نا اشاره می‌کنن اینه که

پس از بررسی این پیکره کوچک به منظور آگاهی از چگونگی بیان اهمیت با استفاده از پاره‌گفته‌ای ویژه، از پاره‌گفته‌های پیداشده به همراه دیگر واژگان یا پاره‌گفته‌های هم‌معنا و مشتق آن‌ها فهرستی تهیه شده و به عنوان عبارت جستجو در نرم‌افزار تحلیل پیکره ورداسمیت<sup>۲</sup> (Scott, 2015) استفاده شد. هدف از این امر، ایجاد فهرستی<sup>۳</sup> از پاره‌گفته‌هایی است که به نظر می‌رسید پررنگ کننده نکته‌های مهم باشند. در مرحله پسین، نویسنده مقاله تمامی پاره‌گفته‌های یافت‌شده توسط ورداسمیت را به دقت مورد بررسی قرار داد تا مطمئن شود همگی نشانگر اهمیت مطلب هستند. در نتیجه این بررسی، به طور کلی ۲۹۳ نمونه از نشانگرهای اهمیت مطالب مشاهده شد. سپس تمامی این نشانگرها بیشتر مورد بررسی قرار گرفتند تا به ویژگی‌های واژگانی و نحوی آن‌ها پی برده شود. از جمله ویژگی‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، می‌توان به موقعیت مکانی نشانگر با مطلب مهم و نقش کلامی اشاره کرد. یافته‌های این بررسی‌ها در بخش پسین ارائه می‌شود.

### ۳. یافته‌ها و بحث

#### ۳.۱. نشانگرهای پیش‌مرجع، پس‌مرجع، درون‌مرجع و برون‌مرجع

با استفاده از نرم‌افزار ورداسمیت، ۲۹۳ نمونه نشانگر اهمیت مستخرج از پیکره سخن بررسی شده و سپس در پی بررسی موقعیت نکته‌های برجسته‌شده نسبت به نشانگر، این نشانگرها از لحاظ موقعیت مکانی طبقه‌بندی شدند. به بیان دیگر، با هدف مشاهده بیان مطالب مهم قبل یا بعد از نشانگرهای برجسته‌سازی، این طبقه‌بندی صورت گرفت. به منظور دست‌یابی به یک دسته‌بندی جامع که هم

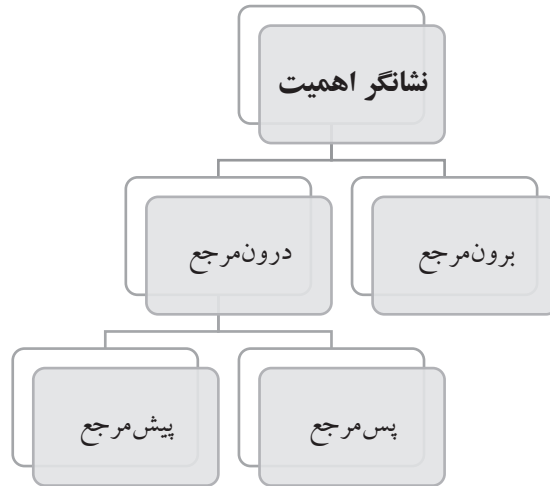
<sup>1</sup> transcript

<sup>2</sup> WordSmith

<sup>3</sup> concordance



موقعیت نکات برجسته شده و هم ویژگی های صوتی و دیداری ارائه را در برگیرد، واژه های «درون مرجع»<sup>۱</sup>، «برون مرجع»<sup>۲</sup>، «پیش مرجع»<sup>۳</sup> و «پس مرجع»<sup>۴</sup> از زبان شناسی اقتباس شده و در این دسته بندی به کار گرفته شدند.



شکل ۱. نشانگرهای اهمیت بر اساس موقعیت نکته های برجسته شده

همان طور که در شکل (۱) مشاهده می شود، نشانگرهای اهمیت مطلب یکی از دو نوع برون مرجع و درون مرجع هستند. در ساختارهای درون مرجع از جنبه های شفاهی کلام برای پررنگ کردن نکته های مهم استفاده می شود، در حالی که آنچه اهمیت نکته های بیان شده را در ساختارهای برون مرجع می رساند، استفاده از جلوه های تصویری کلام مانند اسلاید و جزوه است. به طور کلی، نشانگرهای اهمیت درون مرجع از دو ساختار پیش مرجع و پس مرجع تشکیل می شوند. ساختارهای پیش مرجع به ساختارهایی گفته می گردد که در آن نشانگر اهمیت به بخش هایی از کلام که پیش تر بیان شده، اشاره می کند (۳). در این ساختارها، برای پیدا کردن نکته مهم، مخاطب باید به قبل از نشانگر مراجعه نماید، اما نشانگرهای پس مرجع نشانگرهایی هستند که در آن نکته های مهم پس از نشانگر بیان می شود (۴). بنابراین، برای تشخیص نکته های مهم مخاطب باید به مطالب ارائه شده پس از نشانگر توجه نماید.

<sup>1</sup> endophoric

<sup>2</sup> exophoric

<sup>3</sup> anaphoric

<sup>4</sup> cataphoric

۳. ... خب! این نکته اول.

۴. نکته مهم اینه که ...

در ساختارهای برون مرجع مطالب مهم در خارج از کلام شفاهی وجود دارد. این زمانی است که ارائه‌دهنده به یک نکته در اسلاید و یا جزوه اشاره می‌کند (۵)؛ بنابراین، برای پیدا کردن مطالب مهم، مخاطب بایستی فراتر از کلام شفاهی رفته و جنبه‌های بصری ارائه را دنبال کند.

۵. این اسلاید مهمه.

از آنجایی که در این پژوهش، فقط جنبه‌های شفاهی کلام بررسی شدند، نشانگرهای برون مرجع نادیده گرفته شدند. ساختارهای واژه-دستوری نشانگرهای پیش مرجع همراه با بسامد در جدول (۱) مشاهده می‌شود.

جدول ۱: توزیع نشانگرهای پیش مرجع

ساختار	بسامد	درصد
نکته مهم + ضمیر اشاره - اسم - (صفت)	۹	۳
نکته مهم + ضمیر اشاره - اسم - فعل ربطی - جمله‌واره	۲	۰,۷
نکته مهم + ضمیر اشاره - صفت - فعل ربطی	۲	۰,۷
نکته مهم + ضمیر اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی	۷	۲,۳
نکته مهم + صفت اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی	۱۲	۴
نکته مهم + صفت اشاره - اسم - اسم - صفت - فعل ربطی	۳	۱
نکته مهم + قید - اسم - صفت - فعل ربطی	۱	۰,۳
نکته مهم + سؤال امتحان	۱۲	۴
مجموع	۴۸	۱۶

همان گونه که جدول (۱) نشان می‌دهد، در تجزیه و تحلیل نشانگرهای اهمیت نکات، هشت ساختار برای ساختارهای پیش مرجع مشاهده شد. از این میان، ساختار «نکته مهم + صفت اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی» و «نکته مهم + سؤال امتحان» بیشترین فراوانی را داشتند. نشانگرهای «نکته مهم + سؤال امتحان» شامل ساختارهایی است که احتمال ارزیابی نکته‌های اشاره‌شده در امتحان را بیان می‌کنند (۶). اگرچه این دسته از نشانگرها به ویژه اهمیت نکات را نشان می‌دهند و در نتیجه مفیدند، به طور کلی، فقط ۴٪ از کل نشانگرهای اهمیت مطلب در پیکره سخن را به خود اختصاص دادند. با توجه به این نکته که استفاده پی‌درپی این نشانگرها ممکن است سبب تدریس سؤالات امتحانی در کلاس شده و سایر مطالب ضروری ارائه توسط ارائه‌دهنده و مخاطب نادیده

گرفته شود، کم شمار بودن این دسته نشانگرها قابل توجه است. قابل توجه است که نشانگرهای این دسته در ارائه‌های انگلیسی نیز کم شمار بودند (Deroey & Taverniers, 2012).

۶. این سؤال امتحانه.

نشانگرهای دارای ساختار «نکته مهم + صفت اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی» تقریباً شبیه ساختار «اسم اشاره + فعل ربطی + صفت»<sup>۱</sup> است که کرافورد کمیسیونرلی (Crawford, 2004) در ارائه‌های انگلیسی یافت. چیزی که ساختار ما را از آن متمایز می‌کند این است که علاوه بر یک صفت ارزیابی (همچون، مهم)، از یک اسم فرازبانی (مثل، نکته) نیز برای پررنگ کردن مطالب در آن استفاده می‌شود (۷). حضور این دو عنصر به صورت هم‌زمان باعث می‌شود این دسته از نشانگرها از علائم آشکار اهمیت به شمار آمده و به مخاطب در تشخیص نکته‌های مهم کمک کند. اسامی فرازبانی استفاده‌شده در این نشانگرها عبارت‌اند از نکته، مسئله، سؤال، ایده، چیز، مطلب، واقع مطلب و تمرکز. «نکته» (۱۰۵ بار) پرتکرارتر از سایر اسامی بود. پرشمار بودن نکته در واقع نشان‌دهنده ساختار ارائه‌ها و توزیع مطالب به صورت نکته‌ای در آن‌ها است (Olsen & Huckin, 1990). البته تقسیم‌بندی مطالب ارائه به نکات و مطالب غیر کلیدی روشی راحت برای تمایز مطالب از یکدیگر است.

۷. این نکته مهمه.

باید توجه داشت که اسامی فرازبانی مسئله، سؤال، ایده، چیز، مطلب، واقع مطلب و تمرکز به خودی خود اهمیت مطالب را نمی‌رسانند. گنجانیدن عباراتی که این اسامی در آن‌ها استفاده‌شده‌اند به عنوان نشانگر اهمیت مطلب وابسته به وجود عناصر دیگر مانند صفت‌های ارزیابی است (۸). صفت‌های ارزیابی یافت‌شده در این پاره گفته‌ها عبارت‌اند از مهم، ضروری، اساسی، کلیدی، جالب و قابل ملاحظه. هم‌سو با یافته‌های بایبر و همکاران (Biber et al., 1999) و سویلز و برک (Swales & Burke, 2003)، «مهم» از سایر صفت‌ها پرشمارتر بود (۲۹ بار). همچون ارائه‌های انگلیسی (Deroey & Taverniers, 2012)، در ارائه‌های فارسی نیز «جالب» به تنهایی نشانگر اهمیت نبود (۹). در (۹)، حضور فعل «بدونید» نشانگر مهم بودن مطلب بعدی است.

۸ چیزی که واسه ما مهم هست اینه که

۹ جالب اینه که بدونید

ویژگی که تقریباً در همه نشانگرهای پیش مرجع مشترک است، وجود یک ضمیر یا صفت اشاره (مثل، این) است. در پژوهش دیروی و تاورنیرز (Deroey & Taverniers, 2012) نیز

<sup>1</sup> DEIC + IS + ADJ

ساختارهای پیش‌مرجع در ارائه‌های انگلیسی همواره از یک ضمیر یا صفت اشاره تشکیل می‌شدند. وجود این ضمیر یا صفت اشاره مهم است چرا که نکته‌های برجسته‌شده در آن خلاصه می‌شود. از سوی دیگر، تشخیص و تفسیر مرجع این ضمیر یا صفت اشاره برای درک کامل ارائه توسط مخاطب از اهمیت بسیاری برخوردار است. جدول (۲) نمایانگر ساختار نشانگرهای پس‌مرجع است.

جدول ۲: توزیع نشانه‌های پس‌مرجع

ساختار	بسامد	درصد
اسم - (صفت) + نکته مهم	۱۶	۵٫۵
اسم - (قید) - (صفت) - فعل ربطی + نکته مهم	۶۸	۲۳٫۳
شمار - اسم - (صفت) - فعل (وجود دارد) + نکته مهم	۱۴	۴٫۸
ادات نکره - اسم - فعل + نکته مهم	۳	۱
فعل + نکته مهم	۱۱۱	۳۸
قید - ضمیر اول/دوم شخص - فعل + نکته مهم	۲۰	۷
فعل مجهول + نکته مهم	۱	۰٫۳
صفت - فعل ربطی + نکته مهم	۵	۱٫۷
چیزی (اسم) که - صفت - فعل ربطی + نکته مهم	۷	۲٫۴
مجموع	۲۴۵	۸۴

همان‌گونه که جدول (۲) نشان می‌دهد، نه ساختار برای نشانگرهای پس‌مرجع یافت شد. از میان این نشانگرها، نشانگرهای دارای ساختارهای «فعل + نکته مهم» و «اسم - (قید) - (صفت) - فعل ربطی + نکته مهم» به ترتیب نخستین و دومین نشانگرها از نظر شمار در بین نشانگرهای پس‌مرجع و در پیکره سخن بودند. این نتیجه با یافته کرافورد کامیسیوتلی ( Crawford Camiciottoli, 2007) که ساختار<sup>۱</sup> را پرشمارتر از سایرین دانسته است، یکسان است.

در نشانگرهای دارای ساختار «فعل + نکته مهم»، همواره یک فعل اصلی اهمیت مطالب را می‌رساند (۱۰). فعل‌های به‌کاررفته در این ساختار مشتمل اند بر *یادتان نرود*، *به ذهن بسپارید*، *حفظ کنید*، *دور شو خط بکشید*، *توجه کنید*، *دقت کنید*، *بدانید*، *یاد بگیرید*، *یادداشت بردارید*، *در پراختز گفتن*، *تأکید کردن*، *اشاره کردن*، *گفتن و بیان کردن*. این فعل‌ها معمولاً با یک ضمیر اشاره (مانند *این*، *اینجا*) یا جمله‌واره که دربرگیرنده نکته مهم است، تکمیل می‌شود. همچون ارائه‌های انگلیسی (Deroy & Taverniers, 2012)، در ارائه‌های فارسی نیز این ساختار از سایرین پرشمارتر بود

<sup>۱</sup> 'DET + ADJ + META N + IS'

(۳۸٪). پرشماری این دسته نشانگرها را می‌توان به (۱) ساختار ساده و (۲) استفاده افعال تعاملی در آن‌ها ربط داد. نخست اینکه، ساختار ساده این دسته نشانگرها که فقط متشکل از یک فعل است آن‌ها را به یک روش راحت برای پررنگ کردن و یا تشخیص نکات مهم مبدل کرده‌است. دوم آنکه، طبیعت امری افعال تعاملی استفاده‌شده در این نشانگرها با درگیر کردن مخاطب‌ها آن‌ها را به بخش‌هایی از ارائه که نکات مهم در آن‌ها بیان‌شده می‌کشاند.

#### ۱۰. دقت کنید من نمی‌خوام بگم

نشانگرهای دارای ساختار «اسم - (قید) - (صفت) - فعل ربطی + نکته مهم» عمدتاً از یک اسم فرازبانی و فعل ربطی تشکیل می‌شود. اسامی فرازبانی استفاده‌شده در این ساختار با اسامی ساختارهای پیش مرجع تفاوتی نداشتند و «نکته» بیشترین تکرار را داشت. در این ساختار، معمولاً مطب‌های مهم یا در ادامه جمله می‌آید (۱۱) و یا در یک ضمیر اشاره در همین جمله خلاصه‌شده و در جمله بعدی به صورت کامل بیان می‌شود (۱۲).

#### ۱۱. نکته اصلی آینه که

#### ۱۲. ایده آینه. ببینید به

ساختار «قید - ضمیر اول/دوم شخص - فعل + نکته مهم» سومین ساختار از نظر شمار در بین نشانگرهای پس مرجع بود. این دسته نشانگرها عمدتاً از یک قید در ابتدای عبارت و یک فعل تشکیل می‌شود (۱۳). نکته‌ای که پیرامون این دسته نشانگرها قابل توجه است این است که قید به تنهایی اهمیت مطالب را نمی‌رساند. حضور یک عنصر دیگر مانند یک فعل تعاملی، نقش پررنگ کردن نکته‌ها را بر عهده دارد (۱۳).

#### ۱۳. فقط باید بدویند که

نکته‌ای که در این جا اهمیت دارد این است که تمامی ساختارهایی که متشکل از یک فعل تعاملی هستند، پس مرجع هستند. در این نشانگرها، مطالب مهم همیشه پس از نشانگر یا در همان جمله و یا با استفاده از یک ضمیر اشاره خلاصه‌شده و در جمله بعدی به صورت کامل آورده می‌شود. جدول (۳) فراوانی کلی نشانگرهای پیش مرجع و پس مرجع را در پیکره سخن نمایش می‌دهد.

جدول ۳. توزیع نشانگرهای پیش مرجع و پس مرجع

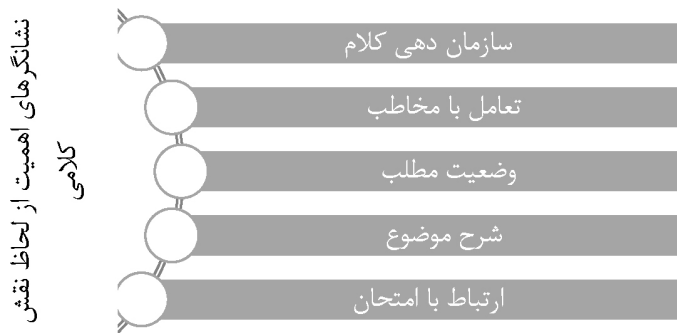
درصد	بسامد	نشانگرهای پیش مرجع و پس مرجع
۱۶	۴۸	نشانگرهای پیش مرجع
۸۴	۲۴۵	نشانگرهای پس مرجع
۱۰۰	۲۹۳	مجموع

همان‌طور که جدول (۳) نشان می‌دهد، نشانگرهای پس‌مرجع با ۸۴٪ بیشترین میزان استفاده نشانگرهای اهمیت در پیکره سخن را به خود اختصاص دادند. این نتیجه، یافته‌های کرافورد کامیسیوتلی (Crawford Camiciottoli, 2007) و دیروی و تاورنیز (Deroey & Taverniers, 2012) را برای ارائه‌های انگلیسی بازگو می‌کند. به‌طور کلی، دو عامل را می‌توان سبب پرتکرار شدن این دسته نشانگرها دانست. نخست اینکه استفاده از افعال تعاملی همچون *به یاد داشته باشید*، *دقت کنید*، *یادداشت بردارید*، *یاد بگیرید* و *بدانید* مخاطبان را در کلام درگیر کرده و سبب می‌شود آن‌ها به‌صورت فعالانه در فرایند کلام شرکت کنند. دوم آنکه، موقعیت اولیه نشانگر اهمیت نسبت به مطلب برجسته‌شده مخاطب را آگاه می‌کند، مطلبی که قرار است بیان شود مهم است و توجه به آن و یادداشت‌برداری از آن ضرورت دارد. پرتکرار کردن نکته‌ها به این صورت از آن‌جایی که مخاطب را قادر می‌کند از قبل برای پردازش و یادداشت‌برداری مطالب مهم آماده باشد، بسیار مفید است.

### ۳.۲. نشانگرهای اهمیت مطلب از لحاظ نقش کلامی

۲۹۳ نمونه نشانگرهای اهمیتی که از پیکره سخن استخراج شدند به‌صورت دستی بررسی شده تا مشخص شود چه نقشی در کلام دارند. در نتیجه این تجزیه و تحلیل، پنج نقش کلامی برای نشانگرهای اهمیت پدیدار شد، همان‌طور که شکل (۲) نشان می‌دهد، این نقش‌های کلامی عبارت‌اند از «سازمان‌دهی کلام»، «تعامل با مخاطب»، «وضعیت مطلب»، «شرح موضوع» و «ارتباط با امتحان».

جدول (۴)، بسامد این نشانگرها را از نظر نقش کلامی نمایش می‌دهد.



شکل ۲. نشانگرهای اهمیت از لحاظ نقش کلامی

جدول ۴: توزیع نشانه‌های اهمیت از جنبه نقش کلامی

نقش کلامی	بسامد	درصد
سازمان‌دهی کلام	۸۲	۲۸
تعامل با مخاطب	۱۳۴	۴۶
وضعیت مطلب	۵۹	۲۰
شرح موضوع	۷	۲٫۵
ارتباط با امتحان	۱۱	۳٫۵
مجموع	۲۹۳	۱۰۰

همان گونه که جدول (۴) نشان می‌دهد، نشانه‌های تعامل مخاطب، بیشترین میزان نشانه‌گرها را در این دسته‌بندی به خود اختصاص دادند (۴۶٪). تعامل با مخاطب به آن دسته از نشانه‌گرها گفته می‌شود که در آن ارائه‌دهنده با دخیل کردن مخاطب در فرایند کلامی نکات مهم را برجسته می‌کند (۱۴). در این دسته از نشانه‌گرها از مخاطب انتظار می‌رود بخش‌هایی از مطالب را دقیق‌تر توجه کرده، حفظ و یا یادداشت نماید. توجه مخاطب به بخش‌های مهم ارائه با استفاده از فعل‌های تعاملی حفظ کنید، به یاد داشته باشید، فراموش نکنید، دقت کنید، دورشو خط بکشید، بنویسید، بدانید و یاد بگیرید جلب می‌گردد. پرشماری این دسته از نشانه‌گرها نمایانگر آن است که ارائه‌دهنده‌ها با درگیر کردن مخاطب در ارائه، به صورت تعاملی نکات مهم را برجسته می‌کنند.

#### ۱۴. دورشو خط بکشید

سازمان‌دهی کلام دومین دسته از نشانه‌گرهای پرتکرار بودند. سازمان‌دهی کلام مستلزم تقسیم کلام به نکته‌ها و مطالب غیر نکته‌ای است (۱۵). سازمان‌دهی کلام عمدتاً با استفاده از اسم‌هایی مانند نکته، مسئله، چیز، ایده، مطلب، تمرکز و واقع مطلب صورت می‌گیرد. پرتکراری سازمان‌دهی کلام به عنوان یکی از نقش‌های کلامی پرننگ کردن مطالب را می‌توان به چیدمان نکته-محور ارائه‌ها نسبت داد (Olsen & Huckin, 1990).

#### ۱۵. به نکته‌ای که این جا هست آینه که

در نشانه‌گرهای وضعیت مطلب، اهمیت موضوع یا مطلب بیان شده ارزیابی می‌شود (۱۶). ارزیابی در این دسته از نشانه‌گرها با استفاده از صفاتی مانند مهم، لازم، اساسی، کلیدی، قابل ملاحظه، جالب، بی‌اهمیت و بی‌ربط صورت می‌پذیرد. وضعیت مطلب سومین نقش پرتکرار برای برجسته کردن نکته‌های مهم در ارائه‌های فارسی است. از این دسته نشانه‌گرها می‌توان به عنوان روشی آشکار برای بیان مطالب مهم و غیرضروری استفاده نمود.

#### ۱۶. چیزی که مهمه این وسط اینه که

ارتباط با امتحان مستلزم بیان احتمال ارزیابی مطالب آورده‌شده در امتحان پایانی است (۱۷). در همه نمونه‌های این دسته از نشانگرها، واژه «امتحان»، هم‌معناها و یا مشتقاتش مشاهده شد. هر چند بیان نکته‌های امتحانی، یک روش مفید برای آگاه نمودن مخاطب از مطالب مهم است، این نقش بسیار نادر بود. از آنجایی که ما اطلاعات کافی درباره اینکه ارائه‌های گنجانده‌شده در پیکره سخن از ارائه‌های نخستین یا پایانی دوره آموزشی هستند یا نه نداریم، نمی‌توان با یقین کم تکرار بودن این نشانگرها را شرح داد. همان‌طور که می‌دانیم، نکته‌های مهم امتحانی معمولاً در جلسات نخستین و پایانی آورده می‌شوند؛ اما شاید بتوان کم‌شمار بودن این دسته از نشانگرها را به این نکته نسبت داد که ارتباط دادن مکرر مطالب ارائه به ارزیابی و امتحان ممکن است باعث کم‌رنگ شدن سایر مطالب مهمی شود که در رشته مهم است اما معمولاً در ارزیابی گنجانده نمی‌شود.

#### ۱۷. سؤال امتحان همینه

شرح موضوع، نقشی است که به میزان توجه ارائه‌دهنده به موضوعات در هنگام توضیح دادن آن‌ها بستگی دارد. چیزی که در این جا مهم است این است که آیا ارائه‌دهنده بر موضوع تأکید دارد (۱۸)، وارد جزئیات می‌شود (۱۹) و یا از آن می‌گذرد (۲۰). در این دسته از نشانگرها از پاره‌گفته‌هایی همچون *واردش نمی‌شیم*، *بگذریم*، *مفصل*، به‌طور خلاصه و موارد مشابه استفاده می‌شود. باید اشاره نمود گنجاندن شرح موضوع به عنوان نشانگر اهمیت، بر این دیدگاه استوار است که موضوعی که در ارائه بحث نمی‌شود و یا به صورت مختصر توضیح داده می‌شود، مهم نیست. از سوی دیگر، هنگامی که موضوعی به صورت گسترده توضیح داده شود، از اهمیت بالایی برخوردار است.

#### ۱۸. تأکید می‌کنم روی این

#### ۱۹. ولی من وارد جزئیات نمی‌شم

#### ۲۰. حالا از این که بگذریم

چیزی که نشانگرهای شرح موضوع را از وضعیت مطلب متمایز می‌کند این است که در وضعیت مطلب، ارائه‌دهنده ارزیابی نگرشی خود را از اهمیت مطالب گفته‌شده بر مبنای یک سلسله‌مراتب اهمیت بیان می‌کند (Thompson & Hunston, 2000). این در حالی است که در شرح موضوع، اینکه آیا یک موضوع نیازمند توضیح کوتاه یا گسترده است، بیان می‌شود. به بیان دیگر، برجسته‌سازی در وضعیت مطلب به صورت آشکارا صورت می‌گیرد، در حالی که در شرح موضوع این امر به صورت تلویحی انجام می‌شود. از آنجایی که شرح موضوع با موضوع‌ها سروکار دارد، کم‌شمار بودن این نقش کلامی را می‌توان به این حقیقت که در هر ارائه فقط تعداد کمی موضوع بررسی می‌شود، نسبت داد.



#### ۴. نتیجه گیری

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که دانش چگونگی برجسته سازی نکته های مهم در ارائه های علمی فارسی می تواند با فراهم نمودن یک تصویر کلی از چیدمان این ارائه ها باعث سهولت در درک و یادداشت برداری مطالب اصلی و مهم توسط مخاطب شود (Björkman, 2011; Titsworth & Kiewra, 2004; Hunston, 1994; Chuadron & Richards, 1986). به بیان دیگر، تمامی فارسی آموزان غیرایرانی می توانند با استفاده از یافته های این پژوهش، آشنایی بیشتر با توزیع مطالب در ارائه های علمی فارسی کسب کرده و از آن برای بهبود درک و یادداشت برداری مطالب مهم ارائه بهره بگیرند. باید توجه نمود اهمیت مطالب را می توان با دیگر روش ها همچون تکرار (Salehzadeh, 2006)، ویژگی های عروضی و غیرشفاهی (Brown, 1978؛ Crawford؛ Wharton, 2009؛ Field, 2011؛ Camiciottoli, 2007) و همچنین جلوه های تصویری همچون جزوه و اسلاید (Adams, 2006؛ Filed, 2011؛ Scerbo, Warm, Dember, & Grasha, 1992؛ Schleef, 2008) نشان داد. بر این مبنا، در پژوهش حاضر فقط جنبه های شفاهی کلام مورد بررسی قرار گرفته است که باید از هرگونه نتیجه گیری کلی درباره جامعیت نشانگرهای به دست آمده در این مطالعه پرهیز نمود. از این رو، پژوهش حاضر یافته های مهمی در پی داشته است که اشاره به آن ها در این بخش خالی از لطف نیست. نخست اینکه از نظر موقعیت نشانگر نسبت به مطلب برجسته شده، هشت ساختار برای نشانگرهای پیش مرجع و نه ساختار برای نشانگرهای پس مرجع یافت شدند. از این میان، ساختارهای «نکته مهم + صفت اشاره - اسم - صفت - فعل ربطی» و «نکته مهم + سؤال امتحان» برای نشانگرهای پیش مرجع و ساختار «فعل + نکته مهم» برای نشانگرهای پس مرجع بیشترین شمار را داشتند. دوم آنکه، نشانگرهای پس مرجع به طور قابل توجهی از نشانگرهای پیش مرجع پرتکرارتر بودند. سوم اینکه، بر اساس نقش کلامی، پنج دسته نشانگر شامل «سازمان دهی کلام»، «تعامل با مخاطب»، «وضعیت مطلب»، «شرح موضوع» و «ارتباط با امتحان» یافت شد. از این پنج دسته نشانگر، «تعامل با مخاطب» بیشترین شمار را به خود اختصاص داد.

به طور کلی، یافته های این پژوهش به این نکته اشاره می کند که ارائه دهنده ها بیشتر تمایل دارند برای پررنگ کردن مطالب مهم در ارائه های علمی فارسی با مخاطب تعامل داشته باشند. به بیان دیگر، به جای فراهم نمودن اطلاعات و اهمیت ندادن به برداشت مخاطب از اهمیت مطالب، ارائه دهندگان مایل اند از اینکه مطالب مهم توجه کافی دریافت می کنند، مطمئن شوند. این کار معمولاً از طریق دخیل کردن مخاطب ها در فرایند کلام شکل گرفته و مطالب مهم به ترتیبی ارائه

می‌شود که مخاطب می‌تواند برای دقت کردن و یا یادداشت کردن آن‌ها از پیش برنامه‌ریزی کند. در نتیجه، پیامدهای این پژوهش را می‌توان از دو جنبه نظری و آموزشی بررسی نمود. از جنبه نظری، دانش چگونگی پررنگ کردن مطالب مهم در یک سبک ویژه را می‌توان به‌عنوان اساس پژوهش‌های تطبیقی برای بررسی چگونگی انجام این کار در سبک‌های دیگر استفاده نمود. بنابراین، برای نمونه می‌توان در سبک‌های دیگر بررسی نمود: (۱) آیا ساختارهای پیداشده در این تحقیق برای نشانگرهای پیش مرجع و پس مرجع برای دیگر سبک‌ها نیز صدق می‌کنند؟ (۲) آیا نشانگرهای پس مرجع در دیگر سبک‌ها نیز از نشانگرهای پیش مرجع پرتکرارتر هستند؟ (۳) آیا پنج دسته نشانگر سازمان‌دهی کلام، تعامل با مخاطب، وضعیت مطلب، شرح موضوع و ارتباط با امتحان برای دیگر سبک‌ها نیز یافت می‌شود؟ از جنبه آموزشی، با این فرض که آموزش این ساختارها به درک بیشتر مخاطبان ارائه‌های علمی فارسی می‌انجامد، یافته‌های این پژوهش از اهمیت بسیاری برای آموزش فارسی به فارسی‌آموزان غیر ایرانی که قصد مطالعه یکی از رشته‌های دانشگاهی در دانشگاه‌های ایران را دارند، برخوردار است. از پاره‌گفته‌های یافت شده در این پژوهش می‌توان برای طراحی منابع آموزشی فارسی برای تدریس آن به فارسی‌آموزان غیر ایرانی که قصد تحصیل در دانشگاه‌های ایران را دارند، بهره گرفت. این پژوهش، افق‌های جدیدی را برای بررسی چگونگی پررنگ کردن نکات مهم گشوده است. مطالعات بیشتری برای بررسی دسته‌بندی نشانگرهای اهمیت بر اساس نقش کلامی در زبان‌های دیگر موردنیاز است. علاوه بر این، به نظر می‌رسد بررسی برخی از متغیرهایی که ارائه‌های علمی کلاسی را شکل می‌دهند مانند فرهنگ علمی، رشته و مقطع دانشگاهی نیز در این باره نتایج جالبی را به همراه داشته باشد.

### فهرست منابع

- زارع، جواد، اسلامی راسخ، عباس و عزیزالله دباغی (۱۳۹۵). «بی‌اهمیت جلوه دادن مطالب در ارائه‌های علمی فارسی: دسته‌بندی بر اساس نقش در کلام». *جستارهای زبانی*. دوره ۷. شماره ۷ (پیاپی ۳۵). صص ۵۱-۷۱.
- زارع، جواد، اسلامی راسخ، عباس و عزیزالله دباغی (۱۳۹۶). «این نکته‌ای که من می‌خوام اینجا دقت کنید»: برجسته کردن نکات مهم در ارائه‌های علمی فارسی. *زبان پژوهی*. سال ۹. شماره ۲۳. صص ۷۹-۱۰۳.

### References

- Adams, C. (2006). Power point, the habits of mind, and classroom culture. *Journal of Curriculum Studies*, 38(4), 389-411. doi: 10.1080/00220270600579141

- Biber, D., Johansson, S., Leech, G., Conrad, S., & Finegan, E. (1999). *The Longman grammar of spoken and written English*. London: Longman.
- Björkman, B. (2011). The pragmatics of English as a lingua franca in the international university: Introduction. *Journal of Pragmatics*, 43(4), 923-925. doi: 10.1016/j.pragma.2010.08.015
- Brown, G. (1978). *Lecturing and explaining*. London: Methuen & Co Ltd.
- Chaudron, C. & Richards, J. C. (1986). The effect of discourse markers on the comprehension of lectures. *Applied Linguistics*, 7(2), 113-127. doi: 10.1093/applin/7.2.113
- Conrad, S. (2004). Corpus linguistics, language variation, and language teaching. In J. Sinclair (Ed.), *How to use corpora in language teaching* (pp. 67-88). Amsterdam: John Benjamins.
- Crawford Camiciottoli, B. (2004). Audience-oriented relevance markers in business studies lectures. In G. Del Lungo Camiciotti & E. Tognini Bonelli (Eds.), *Academic discourse: new insights into evaluation* (pp. 81-97). Bern: Peter Lang.
- Crawford Camiciottoli, B. (2007). *The language of business studies lectures*. Amsterdam: John Benjamins.
- Deroey, K. L. B. (2014). "Anyway, the point I'm making is": Lexicogrammatical relevance marking in lectures. In V. Lieven, K. Davidse, C. Gentens & D. Kimps (Eds.), *Recent advances in corpus linguistics: Developing and exploiting corpora* (pp. 265-291). Amsterdam: Rodopi.
- Deroey, K. L. B. (2015). Marking importance in lectures: Interactive and textual orientation. *Applied Linguistics*, 36(1), 51-72. doi: 10.1093/applin/amt029
- Deroey, K. L. B., & Taverniers, M. (2011). A corpus-based study of lecture functions. *Moderna Språk*, 105(2), 1-22.
- Deroey, K. L. B., & Taverniers, M. (2012). Just remember this: Lexicogrammatical relevance markers in lectures. *English for Specific Purposes*, 31(4), 221-233. doi: 10.1016/j.esp.2012.05.001
- Field, J. (2011). Into the mind of the academic listener. *Journal of English for Academic Purposes*, 10(2), 102-112. doi: 10.1016/j.jeap.2011.04.002
- Hunston, S. (1994). Evaluation and organization in a sample of written academic discourse. In M. Coulthard (Ed.), *Advances in written text analysis* (pp. 191-218). London: Routledge.
- Hunston, S. (2000). Evaluation and the planes of discourse: Status and value in persuasive texts. In S. Hunston & G. Thompson (Eds.), *Evaluation in Text: authorial stance and the construction of discourse* (pp. 176-207). Oxford: Oxford University Press.
- Lee, J. J. (2009). Size matters: an exploratory comparison of small- and large-class university lecture introductions. *English for Specific Purposes*, 28(1), 42-57. doi: 10.1016/j.esp.2008.11.001
- Lodico, M. G., Spaulding, D. T. & Voegtler, K. H. (2006). *Methods in educational research from theory to practice*. San Francisco, CA: John Wiley & Sons.
- McKeachie, W. J. (1994). *Teaching tips: strategies, research, and theory for college and university teachers*. Lexington: Heath and Co.
- Olsen, L. A., & Huckin, T. H. (1990). Point-driven understanding in engineering lecture comprehension. *English for Specific Purposes*, 9(1), 33-47. doi: 10.1016/0889-4906(90)90027-A
- Salehzadeh, J. (2006). *Academic listening strategies: a guide to understanding lectures*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Scerbo, M. W., Warm, J. S., Dember, W. N., & Grasha, A. F. (1992). The role of time and cuing in a college lecture. *Contemporary Educational Psychology*, 17(4), 312-328. doi: 10.1016/0361-476X(92)90070-F
- Schleef, E. (2008). "The lecturer's OK" revisited: changing discourse conventions and the influence of academic division. *American Speech*, 83(1), 62-84. doi: 10.1215/00031283-2008-003
- Scott, M. (2015). *WordSmith Tools version 6*. Stroud: Lexical Analysis Software.

- Swales, J. M., & Burke, A. (2003). "It's really fascinating work": Differences in evaluative adjectives across academic registers. In P. Leistyna & C. F. Meyer (Eds.), *Corpus analysis: language structure and language use* (pp. 1-18). Amsterdam: Rodopi.
- Thompson, G, & Hunston, S. (2000). Evaluation: an introduction. In S. Hunston & G. Thompson (Eds.), *Evaluation in text: authorial stance and the construction of discourse* (pp. 1-27). Oxford: Oxford University Press.
- Titsworth, B. S., & Kiewra, K. A. (2004). Spoken organizational lecture cues and student note taking as facilitators of student learning. *Contemporary Educational Psychology*, 29(4), 447-461. doi: 10.1016/j.cedpsych.2003.12.001
- Wharton, T. (2009). *The pragmatics of non-verbal communication*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zare, J., Eslami-Rasekh, A., & Dabaghi, A. (2017). Marking unimportant information in Persian academic lectures: a taxonomy based on discourse functions. *Jostarhaye Zabani*, 7(35), 51-71.
- Zare, J., Eslami-Rasekh, A., & Dabaghi, A. (2018). "The point I want you to have in mind": Marking important points in Persian academic lectures. *ZabanPazhouhi*, 9(23), 79-103.

## An investigation and Classification of Importance Highlighting Expressions based on Discourse Function and Positioning

Javad Zare<sup>1</sup>

Received: 02/12/2017

Accepted: 20/06/2018

### Abstract

#### Background

Academic lectures play a significant role in academic education. The importance of lectures in academic education has made some scholars believe that comprehending lectures is critical to the students' academic success (e.g., Olsen & Huckin, 1990). Yet, understanding academic lectures is a considerable challenge for students in English-medium classes (Olsen & Huckin, 1990;). Even advanced EFL/ESL learners suffer from this problem. Part of this difficulty is because academic lectures are highly packaged. On the other hand, lectures are full of expressions that structure the discourse. Therefore, it is important to investigate these expressions. Some of these expressions help students distinguish between important and unimportant information which are referred to as relevance markers (Crawford Camiciottoli, 2007; Deroey & Taverniers, 2012; Hunston, 1994) and "selection cues" (Titsworth & Kiewra, 2004).

Thompson (2003) investigated text-structuring metadiscourse in academic lectures. Thompson distinguished text-structuring metadiscourse statements according to the three features of (i) reference to the content, or topic, (ii) reference to the talk, or part of the talk, and (iii) interpersonal reference, or referring to the speaker or the audience. Specifically, some of the statements that refer to the lecturer or the audience are instances of importance marking (e.g., *ok now let me make two points about how nonverbal communication functions*).

Analyzing a small corpus comprising 12 Business Studies lectures delivered by UK, US and NNS lecturers and 10 MICASE lectures from different disciplines, Crawford Camiciottoli (2004, 2007) observes six retrospective and prospective patterns for relevance markers with various combinations of deictics, determiners, relevance adjectives, metalinguistic nouns, and the linking verb "is". The retrospective patterns include "DEIC + IS + ADJ (e.g. This is important), DEIC + IS

---

<sup>1</sup> Assistant Professor of Applied Linguistics, Department of Linguistics, Kosar University of Bojnourd; [javadzare@kub.ac.ir](mailto:javadzare@kub.ac.ir)

+ ADJ + META N (e.g. That's a key question), DEIC + IS + (-ADJ) + META N (e.g. That's the point), IT + IS+ ADJ + THAT + DEIC (e.g. It's crucial that this is clear), IT + IS + ADJ + TO-INF + DEIC (e.g. It's important to see this) and THERE + IS (-ADJ) + A LOT (e.g. There's a lot to be said about that)" (2004, p. 90). The prospective patterns are "WHAT + IS + ADJ + IS (e.g. What is important is), DET + ADJ + META N + IS (e.g. The main point is), DET (-ADJ) + META N + IS (e.g. The thing is), IT + IS + ADJ + THAT (e.g. It's crucial that), IT + IS + ADJ + TO-INF (e.g. It's important to see) and THERE + IS + (-ADJ) + META N (e.g. There is an issue here about)" (2004, p. 90).

### **Methodology**

The Persian corpus of SOKHAN based the foundation for this research. This corpus was developed at the Science and Technology Park of North Khorasan, Iran under the directorship of Javad Zare and Zahra Keivanlou-Shahrestanaki. Corpus development was assisted by funding from the Technology University of Esfarayen and the Science and Technology Park of North Khorasan. SOKHAN consists of audio and video recordings and the transcripts of 60 Persian academic lectures, totaling 480,526 words. The lectures of SOKHAN were recorded between 2010 and 2015. They were delivered mainly by male native speakers of Persian lecturers. These lectures evenly spread in the four disciplinary groups of engineering (es), humanities (hs), medicine (ms), and base sciences (bs).

A mixed-methods (exploratory) approach and a corpus-driven method were adopted in this study. Importance markers were first derived from the Persian Corpus of SOKHAN by reading the transcripts. A number of 293 concordances of importance marking expressions were retrieved from the corpus and analyzed in terms of positioning –anaphoric, cataphoric– and discourse functions.

### **Results and Conclusion**

Analysis of the importance markers led to some findings that are worth noting. As regards the position of the importance markers, eight patterns were found for anaphoric importance markers. Among these, the patterns "hd (highlighted discourse) + exam points" and "hd + deic mn v-link (adv) ADJ" were more frequent than others. For cataphoric importance markers, ten patterns were found, among which "V + hd" outnumbered others. Generally, cataphoric importance markers were found to be substantially more frequent than anaphoric importance markers. Moreover, as regards the discourse functions of the expressions that signal importance of points, five discourse functions were found. These include discourse organization, audience engagement, subject status, topic treatment, and relating to exam. Importance markers dealing with audience engagement were found to be the most frequently used expressions. On the whole, the findings suggest that lecturers tend to function interpersonally in Persian academic contexts when it comes to signaling importance.

**Keywords:** Corpus, Importance marker, Metadiscourse, Academic lecture